



جهان آبستن حوادث شگرفی
که جوان‌هایی حوصله شوند و بچه خود ببرند. پیش دارم که توقف
است. امروز که هستیم به وظیفه و جدای خود عمل کنیم و امید از دست ندهیم،
فردای روشن تری در راه است. چه باک اگر من نینیمیش، دیگرانش خواهد دید. به
خدامی سپارمان دوستان عزیز، محمدعلی موحد (۱۳۹۸/۱۲/۱۸).

تابوت‌وآند دم غروب قوت لایمی برای زن و بچه خود ببرند. پیش دارم که توقف
فعالیت‌ها عرصه ابرآیان تنگتر خواهد کرد. به فک‌آیان باشیم، مردان و زنان
باشرف و آبروداری را که در تنگنا افتاده‌اند فراموش نکنیم، روزگار بدی است. اما
خلاصاً واباشک نکنید که در جنگ میان مرگ و زندگی زندگی پیروز خواهد شد. می‌ادعا

و سازو برگ کارزار در اختیار دارند و از آموزش‌های لازم برخوردارند. غم آن ابیوه
جماعتی بر دل من نشسته است که برای ادامه زندگی محتاج کارروزانه‌اند. کارگران
دستمزدگیر، در سطوح مختلف، پشت میز اداره، پشت فرمان خودرو، پای ماشین
کارگاه، کارگرانی که باید تمام روز را با خاک و گل و سنج و سیمان پنجه در راکنند

چرتکه‌ته سال
اعداد عجیب ۹۸
۱۵

چاپ پانزدهم چند کتاب مهم
هر سال، کتاب‌هایی مهم که
سال‌ها و دهه‌ها پیش منتشر شده
بودند، تجدید چاپ می‌شوند. در
این میان، ترجمه‌فارسی سه رمان
مهم جهان، امسال در ایران به
چاپ پانزدهم رسیدند، هر سه در
انتشارات نیلوفر:
• رمان «بادبادک باز» خالد
حسینی با ترجمه‌مهدی غیرایی
• رمان «پرده خاراز» کالین مک
کلاف با ترجمه‌مهدی غیرایی
• رمان «دنیای قشنگ نو» اثر
آلدوکس هاکسلی با ترجمه سعید
همیدیان

۱۵ کتاب آقای خطابه‌نویس
اکتای برانه‌ی که پسر رضا برانه‌ی
است می‌گوید ۱۵ کتاب از آثار اشعار
«خطاب به پروانه‌ها»، در وزارت
ارشاد منتظر مجوز است؛ از این
میان تعداد زیادی تاکنون منتشر
شده و قرار است برای اوین بر
 منتشر شوند.

۹۹

بله، این یعنی حتی یک سال بیشتر
از قرن حاضر که در آن به سر
می‌پریم. سر استاد به سلامت و
عمرشان دراز باد. احمد سمعی
گیلانی، ادیب دوست‌داشتنی
رام‌گوییم که بهمن امسال، ۹۹،
ساله شد. او گفته از مردم بله
این است که هیچ وقت کننه به دل
نگرفته و به این نکته عقلایی رسیده
که هر کسی کنید به دل بگیرد از از
نمی‌بیند.

۱۳

زیاده ارضی نیست؛ ایرانیان در
سال نیز همان قدر نامیدکنند
بودند که در سال‌های پیشتر
امساں روزی فقط ۱۳۰۰ قیمه کتاب
خواندیم. مگر قرآن‌طینه‌های خانگی
اسفندماه، این آمار را کمی بالا
پکشید در محاسبه بعدی.

فروردين
**انتشار «گور سفید»
مجید قیصری**


رمان تازه قیصری در نشر افق
منتشر شد؛ رمانی که با گشته
به فضای داستان کوتاه عصیان
قیصری در دهه هفتاد و
داستان افرازی است که برای
رسیدن به یک جامعه پاک
دست به پاکسازی شخصی
می‌زنند.

**انتشار «جشن جنگ»
احمد دهقان**


مجموعه داستان تازه دهقان را
انتشارات کتاب نیسان روایه بازار
کتاب کرد؛ ده داستان کوتاه عصیان
کرده از روزگاری که از زنشها و
معانی رانی کرده و نویسنده
حال در دل روابط آنچه
با انسان‌های باقی مانده
است.

۲۳
سر و صدای جلال

جاویده جلال هم مثل نوبل با حاشیه‌هایی
بریا شد؛ دوازدهمین دوره جایزه ادبی
جلال آل‌احمد در بخش «تقدیمی» به
حسین یاپندی و محمد و محسن حبیف
رسید و در این بخش از اثر احمد شاکری
به عنوان اثر اشایسته تقدیر یاد شد. انتقاد
احمد شاکری در جنگ پوگسلاوی در دهه
میلادی همدردی می‌کردند.

آذر
سریال از رمان سلطان

مسعود کیمیایی خبرداد که می‌خواهد
اولین حضورش در شبکه نمایش «شبکه شیشه‌ای»
رقم بزند و رمان «جسد های شیشه‌ای»
خودش را سریال کند. بعد از این مجري
طرح پژوهه گفت که نگارش فیلم‌نامه
«جسد های شیشه‌ای» تا بهار سال آینده
ادامه دارد و بالا فاصله پیش تولید آن
شروع خواهد شد.

نامه محمود برای سردار

محمود دولت‌آبادی داستان نویس در
روزنامه ایران یادداشت کوتاهی نوشت
در سوگ سردار قاسم سلیمانی. این
یادداشت، با توجه انتقادهای
دولت‌آبادی به حاکمیت، جالب
توجه بود و تامد ها
و اکشن‌های مختلفی
را برانگیخت.

سیدمهدی شجاعی

هم‌کلی کتاب چاپ کرد، هم مهمن ترین اثر
این سال‌ها بیش را چاپ نکرد. و هم این که
با برگزاری نشسته‌های «کوتاه‌با داستان»
مدام جلوی چشم بود. او که میزبان این
نشسته‌ها بود، هر باری کی دو میهمان را
دعوت می‌کرد و با هم داستان می‌خواندند
و برسی می‌کردند. این جلسات که سال
گذشته نیز برپا می‌شد، امسال دوباره از
تیرماه آغاز به کار کرد و تا همین بیک ماه پیش
هم ادامه داشت. در یکی از این جلسه‌ها
که خبرش خیلی پیچید، سیدمهدی
شجاعی پخشی از یک اثرش را خواند و گفت
نمی‌خواهد فعل آن را منتشر کند؛ رمان «کمی دیرتر» را می‌گفت. او گفت: «نه نظر نمی‌رسد بتوان این رمان را در شرایط فعلی چاپ کرد.
این گونه نیست که به ماجوز نداده باشند بلکه اتفاقی شیوه به دموکراسی و دموکراسی در حال رخدان است. کتاب دموکراسی و
دموکراسی قبل از این که آن شلوغ‌های دار سال ۸۸ اتفاق بیفتند، مجوز گرفت. یعنی در سال ۸۷، مجوز آن صادر شد اما زمانی که به چاپ
رسید، سال ۱۳۸۸ بود. شرایط به کوئه‌ای پیش رفت که انگارکاری روز را نوشت‌هایم و پیش‌بینی شرایط‌کمی دهیم که این راجه‌ایم، به
همین دلیل، در آن رمان نمی‌توانستیم این کتاب را عرضه کیم، در شرایط فعلی نیز ترجیح می‌دهم که این کتاب (جلد دوم کمی دیرتر)
تامدی در کاربرماند. از شجاعی در سالی که پشت سرگذاشتیم، سه اثره منشر شد. دو کتاب در قالب نیایش واره با عنوان
«پشم انتظاری» و «خدمال‌همه‌است» و نیز اثری داستانی برای نوجوان که «اسلام بروی» نام داشت.

۶
انتشار ترجمه مهم ترین داستان مدرن جهان
۲۹
تن شاملو در گور لزیدا!

جمعی از شاعران به مانند هر سال نزد
هبر انقلاب رفتند و شعر خوانند. شعر
سیدرسول پیره که متنی مذهبی بدون
وزن عروضی بود با واکنش جالب ایشان
واجه شد. «البته تن احمد شاملو در
قریمی لرزد که شما شعر سپید را در این
شاملو بود و بکلی مخالف این حرفها
بود.»

۲۰
اردیبهشت
۲۰
ممنوعیت آقای نوح

آنقدر این کتاب «انسان خردمند» شد
دست به دست شد که بتمثیل دست شما هم
رسیده باشد، اما خوب اتحادی ناشران و
کتابفروشان تهران در این روز اطلاعیه‌ای
 منتشر کرد و از تعلیق مجوز همه
کتاب‌های بیوال نوح‌هاری خبرداد. پس از
آن هم که لابد دیدیم، نسخه‌های غیرقانونی
کتاب‌های او سراز بازار کتاب درآورد.
دانشگاه تهران راه ندادند. کجا
راه ندادند؟»

۱۲
برگد کوندرا!


میلان کوندرا داستان خردمند شد
چک که او را رمان‌های موفق چون
«بار هستی» می‌شناسیم، پس از
۴ سال زندگی در تبعید، بار
دیگر تابعیت زادگاه خود را
دریافت کرد.

آبان
رمکشیب از معرفت‌های پلیس

۲۰
آذر
۳۰
دلجویی از بکت، حذف جمالزاده

در همین چام‌جم هم گزارش مفصلی آن وقت در این
باره نوشتم: این که وب‌سایت آکادمی نوبل، بنابر
قرارهای سالهای که اسناد مربوط با نامهای دریافت
نوبل ادبیات در هی سال پیش را فاش می‌کند. این
باره فهرست نامهای سال ۱۹۹۹ را رونمایی کرد که
علوم شد در سالی که ساموئل بکت درست یک
سال پس از کارشناسی داوران در اعطای‌کردن جایزه
۹۶ به او، بزند این جایزه شده است. نام محمدعلی
جمالزاده نیز در فهرست پیش از صندوقه بوده است.

۱۴
دی
۳۰
مصطفی مستور

همان اتفاقی که در سال ۹۷ برای رمان
پرسو صدا و حاشیه ساز «رد ش» رضا
امیرخانی افتاده بود، در ۹۸ برای مصطفی
مستور افتاده. البته نه این که «معسومیت»
مستور جنجالی با حاشیه پاسخ‌گذاری به
پاکرد. باشد نه امنه انتظار مان این است که
رمان تازه از روزهای ارده ش را ترجیح کرد. این تفاوت
که برای کتاب مستور صرف نکشیدند و
شلوغش نکردند. اما خوب همه چهار هزار
نسخه چاپ اول «معسومیت» اش در پیچ
روز نخست انتشار، به فروش رفت و سریع
به چاپ دوم رسید. این اتفاق آن هم در زمانی فارغ از برگزاری نمایشگاه کتاب تهران و در شهریور ماه، مهم و غیرمنتظره بود. چاپ
سوم این رمان هم دی ماه به بازار آمد.
این در حالی بود که در آزمدah همین امسال، «روی ماه خداوند را ببین» رونمایی شد. این کتاب می‌تواند میان این دو کتاب
هشتاد و سوم را هم تجربه کرد. ۹ سال پیش بود که این کتاب اول بار منتشر شد. البته مستور اسمازی کتاب مستور باشد، چاپ
چله نهند و بررسی کتابش و گفت و گویی خواندن با محسنین بوالحسنی در روزنامه ایران و نیز شرکت دریکی دو جلسه رونمایی
کتاب‌های دیگران، حضور چندانی در محافل نداشت اما با همین کتاب «معسومیت» او را باید یکی از چهره‌های مورد توجه سال
۹۸ در حسابت آورد.



و کتابت در این باره می‌سوزد و اینها، جواب جالبی
برای «رد ش» اش صفت بستند و حالا وقت آن است
بیش ممکن است کمتر بفروش و به هر حال برای
سال ۹۸، اینها این ماه پایانی اش باید سال
چند جدال قائم سفت و سخت و انتشار رمانی